

تبیین علل توسعه نیافتگی استان کردستان ایران (با کاربست روش کیفی)

سوما مردوخ^۱، ایرج ساعی ارسی^۲

چکیده

توسعه مفهومی پویا، متداوم و چند بعدی است که بار ارزشی دارد و با ساختار کلی جامعه و ضرورت دگرگونی همیشگی در این ساختار همراه است. سازماندهی بین عناصر این ساختار از چنان اهمیتی برخوردار است که توسعه یافتگی اساساً در هماهنگی و توازن بین عناصر مختلف جامعه معنا می یابد. کردستان از جمله استان های توسعه نیافته ای است که همواره با مشکلات ناشی از توسعه نیافتگی و عدم توازن بین عناصر جامعه مواجه بوده است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر شناختی جامع از علل توسعه نیافتگی این استان است که با رویکردی جامعه شناسانه کشف و بررسی شود. در این راستا از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی بهره گرفته و با کاربست روش نظریه زمینه ای و تکنیک مصاحبه عمیق به مطالعه علل توسعه نیافتگی استان کردستان پرداخته ایم. یافته های به دست آمده شامل شش مقوله عمده است که عبارتند از: موانع اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی. مقوله هسته این مطالعه نیز «توسعه نامتوازن» است که سایر مقولات را در برمی گیرد. نتایج تحلیل داده های پژوهش حاضر و مدل زمینه ای ارائه شده نشان می دهد که مردم کردستان علل توسعه نیافتگی را به مثابه توسعه ای ناموزون و ناهماهنگ تفسیر می کنند که این عناصر ناموزون در ترکیب خود زمینه پدید آمدن روابط اجتماعی ناعادلانه و آسیب های فراوان اجتماعی را فراهم آورده است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه نیافتگی، توسعه نامتوازن، نظریه زمینه ای، استان کردستان.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: soma_mardokhi@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول) (Email: saearasi@gmail.com)

مقدمه

توسعه، توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی از دیرباز از مباحث بسیار مهم و اغلب چالش‌برانگیز در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی بوده است. «توسعه» مفهومی کلیدی است که موضوعات گوناگونی را در اندیشه و رفتار جوامع، در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در برمی‌گیرد. در واقع "هر تغییری در ساختار اقتصادی و اجتماعی سنتی جوامع به‌سوی آن‌چه که مدرن شدن نامیده می‌شود، توسعه تلقی می‌شود" (Astle, 1989, P13). مفهوم توسعه، به‌معنای ارتقای همه شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی معنوی و مادی انسان‌هاست (Ziyari & others, 2011, P2). بنابراین فرآیندی از تغییر و دگرگونی است که نه تنها در زمینه‌های اقتصادی، بلکه همچنین نظام اجتماعی، سازمان سیاسی و چارچوب فرهنگی را که رفتارهای انسانی را در جامعه متحول می‌سازد، تحت پوشش می‌گیرد (Naraghi, 2001, P119). تودارو نیز توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی و تجدید سازمان و جهت‌گیری در مجموعه نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی و در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و سیاسی و در طرز تلقی و حتی آداب و رسوم و باورهای مردم است، به‌نحوی که هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی و ملت‌ها، جامعه و جهان را از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج نموده و به‌سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی «بهتر» است، سوق دهد (Todaro, 1977, P96).

جوامع موسوم به توسعه‌نیافته یا کم‌تر توسعه‌یافته، در شرایطی قرار دارند که زندگی جمعی را برای انسان‌هایی که در این جوامع می‌زیند دشوار و توأم با مجموعه‌ای از مشکلات بنیادین می‌سازند به عبارت روشن‌تر، انسان‌ها در جوامع توسعه‌نیافته گرفتار در چنبره مسایل و معضلاتی پرشمار می‌باشند که زیست روزمره آن‌ها را با دشواری‌های رنج‌آفرین و محنت‌زا روبه‌رو می‌سازد (Afsharkohan, 2007, P44). درحقیقت وجود نابرابری‌های منطقه‌ای و ملی از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است و کشورهای توسعه‌یافته، علاوه بر این که از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردارند، توزیع درآمد و امکانات نیز در آن‌ها نسبتاً عادلانه است؛ اما در کشورهای توسعه‌نیافته، هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (Mossalah & Nejad, 2005, P56).

مناطق مختلف کشور ایران، تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاست‌های کلان، مسیرهای گوناگونی در زمینه توسعه طی کرده است. نتایج این دگرگونی‌ها عموماً در تفاوت‌های آشکار درجه توسعه‌یافتگی درون استانی، منطقه‌ای و ملی به‌خوبی مشهود است (Zarabi & Izadi, 2013, P102). کردستان از جمله استان‌های توسعه‌نیافته‌ای است که با وجود جوان بودن جمعیت خویش همواره با مشکلات اساسی مانند: نرخ بیکاری بسیار بالا، مهاجرت، عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی و ضعف زیرساخت‌ها مواجه بوده است. مواردی که در صورت برنامه‌ریزی صحیح طی برنامه‌های (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) می‌توانست هم درآمد و اشتغال خوبی برای استان در پی داشته باشد و هم سهمی در تسریع دستیابی به توسعه ایفا کند. متأسفانه نظام برنامه‌ریزی در ایران، عمدتاً ویژگی ملی و بخشی داشته و به جنبه‌های منطقه‌ای توجه کم‌تری شده است. به‌طوری که رتبه توسعه‌یافتگی استان طول سی سال اخیر همواره در پایین‌ترین میزان خود بوده و در وضعیت نامطلوبی قرار داشته است؛ در صورت تداوم این وضعیت، فضای کسب‌وکار و اشتغال بهبود نخواهد یافت و همواره به تعداد بیکاران، مهاجرت‌های ناشی از آن، خالی از سکنه شدن روستاها، حاشیه‌نشینی گسترده و آسیب‌های متعاقب آن و سایر مشکلاتی که منطقه را فراگرفته است، افزوده می‌شود. با توجه به شرایط مختلف طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کردستان بررسی و چرایی دست‌نیافتن به توسعه از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. کمیت و کیفیت دگرگونی‌ها به‌گونه‌ای است که نمی‌توان با بینش، روش و موضوع‌شناسی متعارف و سنتی به بررسی آن‌ها پرداخت. از این رو با توجه به رویکرد تفسیرگرایی حاکم بر پژوهش، این پرسش مطرح می‌شود که علل اساسی که کردستان را در مقایسه با سایر استان‌های کشور از لحاظ توسعه‌ای پایین‌تر نگه داشته است، از نظر مردم و مطلعین چیست؟ و چرا استان کردستان بعد

از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی، باز هم عنوان "توسعه نیافتگی" را به همراه دارد؟ بنابراین در این نوشتار سعی شده است که از نقطه نظر افراد درگیر و بومی، به علل توسعه نیافتگی منطقه شان توجه شود.

ادبیات تحقیق و چارچوب نظری

مطالعات متعددی، عدم دستیابی استان کردستان به توسعه یافتگی را مورد تأیید قرار می دهند. در تحقیق زیاری و همکارانش (۱۳۹۰)، تمام شهرستان های کشور از نظر سطح توسعه رتبه بندی شده اند. نتایج تحقیق به صورت مستند نابرابری های عمیق توسعه را بین شهرستان های مختلف کشور نشان می دهد؛ با رتبه هایی که شهرستان های استان کردستان، می توان درک کرد که شهرستان های این استان در طبقات کاملاً محروم و محروم جای می گیرند. هم چنین "سطح بندی سطوح توسعه یافتگی استان های کشور در سال ۱۳۸۵ بر اساس ۵۰ شاخص انتخابی نشان می دهد که استان های کردستان، کرمانشاه، لرستان به عنوان نواحی توسعه نیافته قابل طبقه بندی هستند" (Qarakhloo & Habibi, 2006, P76). بهرامی (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خود عنوان می کند که: استان کردستان یکی از استان های توسعه نیافته کشور است و به نظر می رسد که توسعه روستایی در این استان با چالش هایی جدی روبه روست. پوریانی (۱۳۸۵) در پژوهش خود عنوان می دارد که بسیاری از ویژگی ها و دلایل توسعه نیافتگی، در واقع از عوارض آن است و در این راستا بایستی راهکارهای کلان نگرانه در جهت تعیین سیاست ها و برنامه ریزی های توسعه را در ایران به طور جدی پیگیری کنیم. رضوی (۱۳۸۸) مقاله ای تهیه نموده و در آن بر این اعتقاد است که: علی رغم برخی نظریات موجود که پدیده عقب ماندگی را به عوامل خارجی نسبت می دهند، توسعه نیافتگی به خصوص در نگاه فرهنگی و کیفی آن واقعی درونی است و لذا اهتمام به زمینه های پیشینی که موجبات توسعه نیافتگی ایران را فراهم کرده اند، در جای خود اهمیت بسیار دارد. افشارکهن (۱۳۸۷) در مطالعه خویش، فرضیه ای جدید پیش می کشد و از امکان ناپذیری تحقق توسعه در برخی جوامع سخن می گوید: «فرجام دور یا نزدیک برخی جوامع شاید توسعه نیافتگی باشد». بدین سان، به اعتقاد وی، توسعه نیافتگی نه الزاماً یک مسأله بلکه موقعیتی است که اگرچه می توان درباره اش سخن گفت، اما الزاماً نمی توان دگرگونش ساخت. علاوه بر این، باید به یاد داشت که قواعد غیرتاریخی برای توسعه وجود ندارد و لذا بازسازی قاعده مند مسیر توسعه میسر نیست.

از آن جا که این تحقیق به روش کیفی و در پارادایم سازه گرایی اجتماعی جهت بررسی درک و تفسیر افراد از علل توسعه نیافتگی صورت می گیرد، پس جهت ایجاد چارچوب مفهومی سعی می شود تا این مفاهیم را از کسانی وام بگیریم که قرابت معرفت شناسی و روش شناسی بیشتری با رهیافت مورد استفاده ما (برساختی - تفسیری) دارند. "مفروضات اساسی رویکرد سازه گرایی نشان دهنده آنند که حقیقت و معنا به گونه ای مستقل از آگاهی انسان ها قرار ندارند. معانی به جای این که کشف و یافته شوند برساخته می شوند" (Fish, 1980, P322). جهان و ایزه های به خودی خود بی معنای آن در برساختن معنا به انسان ها کمک می نمایند. واقعیت های اجتماعی سیال اند و به مثابه امور برساخته انسانی فاقد قوانین از پیش تعیین شده بوده و دائماً "در حال شدن" هستند، پس مسیر و روش خاصی برای درک واقعیت ها و یا ایجاد تغییر در آن ها به سهولت ممکن نیست. واقعیت ها نه تنها قابل کشف و کنترل نیستند بلکه صرفاً می توانند درک و تفسیر شوند (Glasser, 1998, P12).

پارادایم برساختی - تفسیری انسان را به مثابه موجودی فعال، خلاق و معنا ساز تعریف می کند که پیوسته در حال ساخت و ساز و معنادار کردن زندگی اجتماعی و واقعیت های اجتماعی روزمره است. این رویکرد که بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید دارد بر این باور است که واقعیت ها در فرآیند درک و تفسیر انسان ها و در خلال زندگی روزمره ساخته شده و معنادار می شوند. معانی تولید شده وابسته به بستر بوده و در درون آن بستر، معنا می یابند. بنابراین، نه تنها نحوه درک و فهم انسان ها از واقعیت ها اهمیت دارد، بلکه این ها اشکال متعددی نیز دارند؛ پس ما نه با یک واقعیت واحد و مشخص بلکه با واقعیت های متعدد و گوناگون روبه رو هستیم. در این رهیافت، فاعل و مفعول شناختی یکی بوده و دانش در یک فرآیند تعاملی، رابطه ای و جدلی تولید و باز تولید می شود. دانش تولید

شده در فرآیند تعامل مورد ارزیابی و بازاندیشی قرار گرفته و به عنوان محصول تعاملی مشترک به توضیح، تشریح و تفهیم جهان اجتماعی سوژه‌ها کمک می‌کند (Mohammadpur, 2013, P50). در این جا و برای بررسی و تبیین علل توسعه نیافتگی استان کردستان ایران، با کمک بازخوانی تفسیر تفسیرهای افراد همین جامعه و برجسته نمودن درک و تفسیر افراد درگیر در این وضعیت، از رویکرد جامعه‌شناسی تفسیری یا تفسیرگرایی اجتماعی برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده شده است.

روش پژوهش

روش‌شناسی مورد استفاده در این مطالعه روش‌شناسی کیفی است. در پژوهش‌های کیفی به گونه‌ای فزاینده از راهبردهای استقرایی استفاده می‌شود. یعنی برای مطالعه بافت‌های اجتماعی به جای شروع از تئوری و آزمون آن‌ها، «حساس سازی مفاهیم» ضرورت می‌یابد (Hydar A., 2012, P2). در این پژوهش روش‌شناسی کیفی را به کار بسته‌ایم و از روش نظریه زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه عمیق برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها استفاده نموده‌ایم. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند؛ پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد، شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گردآوری می‌کند، پدیدار شود (Strauss & Corbin, 2011, P34).

از آن جا که این نظریه مبتنی بر داده‌های گردآوری شده در میدان است، لذا محقق در مورد اعتبار آن‌ها اطمینان دارد. هر نظریه‌ی زمینه‌ای دارای سه بعد شرایط، تعامل‌ها و پیامدها است که حول یک مقوله هسته ترسیم می‌شود. محصول نهایی تحقیق با نظریه زمینه‌ای صرفاً مجموعه‌ای از یافته‌ها یا چند مقوله به هم مرتبط نیست، بلکه یک صورت‌بندی نظری منسجم درباره بسترها، فرآیندها و پیامدهای وجود یک پدیده یا رویداد است (Somukh and Levin, 2005: 49 quoted by Mohammad Poor, 2013: 316).

برخلاف روش کمی، رویکرد کیفی بر آن است که به مطالعه عمیق در محیط معینی بپردازد که در آن محیط، پدیده مورد نظر بتواند به نحو معنی‌داری در یک زمینه اجتماعی ویژه قرار بگیرد. چنین محیطی می‌تواند شامل گروهی از افراد، سازمان‌ها، موردها، مناطق جغرافیایی، جوامع، متون و غیره باشد (Saie, 2013, P81). کردستان در دامنه‌ها و دشت‌های پراکنده سلسله جبال زاگرس میانی قرار گرفته است و منطقه‌ای کاملاً کوهستانی است. جامعه آماری مورد تحقیق شامل ۳۸ نفر از مطلعین کلیدی یا دروازه‌بانان خبری یا به عبارت ساده‌تر افراد درگیر در این پدیده در استان کردستان هستند و شیوه نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری کیفی-نظری و عمدی بوده است. بر این اساس کلیدی‌ترین افراد و اسناد، مشاهده و مطالعه گردیده‌اند تا اشباع نظری فرا رسد و همین اشباع نظری مرحله پایانی نمونه‌گیری بوده است.

یافته‌ها

در این پژوهش علل توسعه نیافتگی استان کردستان از نظرگاه مردمان درگیر در آن بررسی شد. بر این اساس، پس از گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، در مرحله کدگذاری باز سطح اول ۷۲ مفهوم اولیه و در کدگذاری باز سطح دوم ۲۸ مقوله عمده استخراج شدند که به شش حوزه اصلی انتزاع یافتند. سپس در مرحله کدگذاری محوری مقولات استخراج شده، بر اساس پیوستار و منطق معنایی در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و در نهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی یک مقوله محوری هسته استخراج شد که در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول (۱): مفاهیم اولیه، مقولات و مقوله هسته

مقوله هسته	حوزه‌های مورد بررسی	مقولات عمده
دسته بندی نشده	موانع اقتصادی	کمبود سرمایه گذاری و تسهیلات شکاف فاجعه آمیز بین بودجه و هزینه‌ها رشد بی تناسب بخش خدمات بیکاری و پدید آمدن شعل‌های کاذب و غیررسمی عدم حمایت از تولید بومی

		اشباع کالاها و خدمات وارداتی عموماً چینی ضعف در زیرساخت‌ها
	موانع سیاسی	مرزی بودن و مسایل امنیتی حذف نشدن مباحث قومیت و مذهب و بی توجهی به آن بیرونی بودن سیاست گذاری‌ها سوء مدیریت سیاسی دموکراسی ناقص مشارکت ناقص سیاسی
	موانع تکنولوژیکی	فن آوری سنتی *فن آوری سرمایه‌بر فن آوری وابسته
	موانع اجتماعی	مهاجرت فاصله طبقاتی بی عدالتی اجتماعی وجود سکونتگاه‌های غیررسمی تقسیم کار ناعادلانه
	موانع فرهنگی	سنت گرایی تجدد ستیزی تضادهای طبقاتی
	موانع اکولوژیکی	کوهستانی بودن تخریب منابع طبیعی وجود دره‌های عمیق و صخره‌های بلند عدم دسترسی به معادن و بلا استفاده ماندن منابع

مفاهیم و مقولات جدول ۱ بیانگر مفاهیم، ایده‌ها، نگرش‌ها و معانی است که مطلعین گرد در رابطه با علل توسعه نیافتگی استان درک و بیان نموده‌اند. مفاهیم و مقولات در خلال نمونه گیری نظری ظهور یافته‌اند و سپس با دنبال کردن آن‌ها به اشباع نظری رسیده‌اند:

موانع اقتصادی

توسعه اقتصادی، فرآیندی است که طی آن می‌بایست تغییراتی عمیق در زمینه‌های شیوه معاش، فعالیت‌های اقتصادی و فراهم سازی تسهیلات تجاری و بازرگانی به وجود بیاید. در عین حال موانع اقتصادی باعث به وجود آمدن نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه و نهایتاً عدم دستیابی به توسعه خواهد بود. زهرا اذعان می‌دارد: «ساختار اقتصادی کردستان به قدری ناموزون و متعارضه که حد و حساب ندارد. ما در درون ساختار اقتصادی استان هنوز با ابتدایی ترین شیوه‌های تولید در برخی مناطق مواجهیم و در کنار این‌ها، کارخانه‌های مدرن و دستگاه‌های الکترونیکی را نیز شاهد هستیم».

رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای به وجود زیرساخت‌های فیزیکی برای تولید و توزیع کالاها و خدمات بین مردم جامعه بستگی دارد و کیفیت و کارایی این زیرساخت‌ها بر تداوم فعالیت‌های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی مؤثر است. متأسفانه وضعیت زیرساخت‌های کردستان چشم‌انداز مناسبی ندارند. «عارف» در این باره معتقد است که: «وضعیت بد زیرساخت‌های منطقه امنیت جاده‌های منطقه رو به خطر انداخته. در حال حاضر نفت خام از اقلیم کردستان عراق به ایران منتقل شده و پس از فرآوری در اراک به عراق بازمی‌گردد. ما آمار تصادفات بسیار شدیدی را در این بخش داشته‌ایم. با وجود مرزی بودن این منطقه و حمل و نقل بسیار فراوان، متأسفانه ما هنوز در استان آزادراه نداریم و همین مسأله در میزان حمل و نقل و انتقال‌اتمان اثرگذار بوده».

استان کردستان با وجود این که دارای قابلیت‌ها و پتانسیل‌های بسیار خوبی در زمینه‌های منابع آب، جنگل‌ها و مراتع و ذخایر معدنی است، اما علیرغم این پتانسیل‌ها و امکانات هنوز دارای تنگناهای اساسی برای توسعه می‌باشد و در مقایسه با سایر مناطق کشور، سهم چندانی از مواهب توسعه ملی نبرده است. دکتر مردوخی به نکته‌ای مهم اشاره نموده و عنوان می‌کند: «در جریان تدوین سند توسعه

اشتغال و سرمایه گذاری کردستان، حدود ۶۰۰ عنوان طرح سرمایه گذاری در قالب ۱۶ شبکه شناسایی و پیشنهاد شده است که سرمایه گذاران می توانند از آن بهره برداری نمایند اما بروکراسی زاید اداری یکی از موانع فراروی سرمایه گذاری در استان است. بیشتر سرمایه گذاران از اجرای طرح های سرمایه گذاری در استان به دلیل نقص در نظام تدبیر از سرمایه گذاری باز می مانند، به شخصه وقتی پای سخنان استانداران ادوار مختلف نشسته ام شاهد بوده ام که همگی علاقمند به توسعه استان بوده اند اما همگی از وجود درد مشترک که همانا بوروکراسی دست و پاگیر است گلایه دارند».

عدم اختصاص بودجه و اعتبارات کافی برای این منطقه یکی دیگر از عوامل مهم اقتصادی است که بدان اشاره جدی داشته اند. برای مثال «احمد» می گوید: «مشکل اشتغال و بیکاری در کردستان مسئولیت و ماموریت کارکنان ادارات را مضاعف تر کرده است چون مشکل اشتغال استان تنها با توسعه امکان پذیر است و توسعه نیز نیازمند بودجه فراوان است. بودجه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کمی بیش از ۳ میلیارد تومان در سال است، اما هزینه های اداری با معوقات چند سال اخیر بالغ بر ۸ میلیارد تومان می شود و اگر بخواهیم بر مشکلات اداره و به نتایج پیش بینی شده در منشور کاری فائق شویم به طور قطع نیازمند بازنگری میزان بودجه و رفع نواقص جدی آن هستیم».

کردستان استانی است که به دلایل مختلف و درگیر شدن مستقیم به واسطه مرزی بودن با جنگ ایران و عراق و حوادث بعد از آن نتوانسته از ظرفیت های انسانی خود استفاده کند و زمینه جدی برای اشتغال در آن فراهم نشده است. در سال های اخیر نیز تعداد جوانان تحصیل کرده ی جویای کار به بازار کار افزوده شده و متأسفانه پیش بینی ها و زمینه های لازم برای این قشر جوان صورت نگرفته است. در این مطالعه، از عوامل مهم دیگری که از داده ها برمی آید، اشاره مکرر مطلعین به نرخ بیکاری بالای میانگین ملی (۲۳ درصد) و فاصله بسیار نرخ بیکاری منطقه ای با سطح ملی است. این نیز باعث ایجاد مشکلاتی روانی و اجتماعی دیگر، از جمله دلسردی، گرایش به سمت شغل های کاذب و یا مهاجرت در بازار شده است.

موانع سیاسی

قدرت های حاکم در دوره های گوناگون در راستای تغییرات اساسی و اقتصادی در منطقه، برای خرده نظام های جامعه تمهیدات و دستورالعمل های اجرایی متفاوتی را پیش بینی و استفاده می نمایند (Ghaderzade & others, 2011, P67). آنچه که در کردستان نگران کننده است، ادامه فاصله و استمرار خلأیی است که هم چنان بین شاخص های توسعه مناطق کردنشین، با شاخص های توسعه مناطق و استان های دیگر کشور، مشهود و موجود است. ادامه این فاصله و عقب ماندگی ها موجب شده تا خواسته های حداقلی مشروع و قانونی مردم گُرد برای بهره برداری از منابع و امکانات مادی و انسانی این مناطق و ایجاد چشم اندازی روشن و امید بخش از آینده، بر آورده نشود. «فاروق» علت این فاصله را در ذهنیت بد حاکم بر کردها و کردستان می داند و اظهار می دارد: «اگر تمام ایران گلستان شود و استان کردستان توسعه نیافته باقی بماند باز نمی توان گفت که ایران یک کشور توسعه یافته است. زیرساخت های ذهنی برای توسعه چه الآن و چه در گذشته مناسب نبوده است. ذهنیت ها نسبت به کردستان باید اصلاح بشود چون کم هزینه ترین راه برای رسیدن به توسعه کردستان اصلاح ذهنیت ها است». سید هاشم نیز همین نکته را تأیید می کند و می گوید: «یکی از عمده موانع توسعه نیافتگی استان کردستان که از سوی بسیاری از صاحب نظران به آن تأکید می شود وجود ناامنی و یا حداقل تصور وجود ناامنی در استان است. بی شک بین میزان امنیت و انباشت سرمایه رابطه مستقیمی وجود دارد». «زاهد» این مسأله را از نگاهی دیگر نیز می بیند و به نبود مدیران ارشد گُرد در بدنه دولت اشاره می نماید: «استان های ایلام، کردستان، سیستان و بلوچستان هرگز در سطح وزرا نمایندگانی در مراکز مهم تصمیم گیری به ویژه مرتبط با امور اقتصادی کشور نداشته اند. دوری از مراکز تصمیم گیری و عدم تلاش برای نفوذ در مراکز تصمیم گیری کشور هم چنان مناطق ما را در رده های پایین توسعه یافتگی متوقف می کند».

گفته های مکرر پاسخگویان و داده های برخاسته از تحقیق، حضور فراوان و تبعیض آمیز افراد غیربومی را نیز در سازمان ها و مسندهای قدرت تأکید می کنند و نارضایتی ساکنین را منجر شده است. «کژال» در این باره می گوید: «اگر نگاهی به عموم سازمان ها و ادارات

بیاندازید، به وضوح متوجه می شوید که حداقل بیش از ۷۰ درصد کارکنان و مدیران استان، از افراد غیربومی تشکیل شده‌اند در حالی که بیکاری قشر جوان و تحصیلکرده بیداد می کند و مسلماً جایی برای حضور و شکوفایی شون در شهر و دیار خودشون نیست».

موانع تکنولوژیک

با تأکید بر نظر گی‌روشه، "تأثیر تاریخی وضعیت و پیشرفت تکنولوژی پدیده ساده‌ای نیست. عامل تکنیک، متغیری است قوی که اهمیت و قدرت آن خصوصاً در جهان معاصر قابل مشاهده است. به علاوه، تأثیر واقعی تکنولوژی را بدون در نظر گرفتن کادر فرهنگی آن نمی توان ملاحظه نمود زیرا تکنولوژی، برخلاف آن چه که مارکس می گوید، تنها مبتنی بر عوامل زیربنایی نیست، بلکه در عین حال در ارتباط با عوامل معنوی همانند تفکرات، ایستارها و ارزش هاست" (Guy Rocher, 2006, P59). هم چنین به زعم دکتر عظیمی، "در تمام دنیا روند طبیعی ایجاد و رشد صنایع به این صورت بوده است که صنایع داخلی به تدریج و با توجه به شرایط داخلی به صنایع پیشرفته تر تبدیل شده است" (Azimi, 2013, P374). موضوع مهم بی توجهی به این مسأله است که چه چیزهایی داریم و چگونه می توانیم آن ها را متحول کنیم تا در طی روند پویایی به تکنولوژی ای برسیم که متعلق به خودمان باشد و آن را بفهمیم. برای مثال «حسین» در این باره به صنایع دستی اشاره می کند که بومی این منطقه هستند اما با ورود صنایع ناهماهنگ، هم هنر تولید دستی را به شدت کاهش دادند و هم امکان استفاده از آن را سخت نمودند: «فرش بافی، گلیم و جاجیم بافی، گیوه بافی و ... در کردستان از صنایع دستی باارزش و قدیمی بود. با ورود صنعتی شده همه این محصولات به صورت ماشینی و نه دستی، از طرفی خیلی ها بیکار شدن و از طرف دیگر محصولی که بومی این منطقه بود، دیگه به عنوان یک هنر بومی خطاب نمیشه. در حالی که همین محصول میتونست از حالت سنتی به تدریج رشد کنه و با نیروهای بومی به یک صنعت منحصر به منطقه و بومی تبدیل بشه».

موانع اجتماعی

سیستم های اجتماعی که تقسیم کار، مسؤولیت ها و توزیع امکانات در آن ها بر اساس بینش های غلط صورت می گیرد، دارای روابط اجتماعی نابرابر و ناعادلانه بوده و دگرگونی و توسعه در جهت منافع و خواسته های افراد به صورت یکسان نخواهد بود. هم چنین هنگامی که تقسیم کار اجتماعی به صورت ناعادلانه در جامعه وجود داشته باشد، تناقضات و نابه سامانی های اجتماعی را به وجود می آورد. از آن جمله، «مهاجرت های بی رویه روستاییان به شهرها» است. این پدیده، پیامدهای ناگوار بسیاری در پی دارد؛ از قبیل فشار بر منابع اقتصادی در شهرها، نابه سامانی خانوارهای مهاجر، خالی از سکنه شدن روستاها، افزایش ناهنجاری های اجتماعی در شهرها و ... «مسعود» در رابطه با موضوع مهاجرت، چنین اظهار می دارد: «مهاجرت عامل اصلی کاهش جمعیت استان است. در حقیقت ۴,۵۶ درصد جمعیت ما به خارج و یا در داخل استان در حال مهاجرت هستند و بیشترین مهاجرت هایی که در استان کردستان انجام می گیره برای کسب شغل است».

مطالعات گسترده ای در خصوص ابعاد فاجعه آمیز و اجتماعی بیکاری صورت گرفته که نشان می دهد بیکاری های طولانی مدت، روحیه بی ارادگی در افراد را تشدید می کند و باعث شکل گیری بحران هویت در افراد بیکار می شود (Izadkhah, 2012, P24). «رسول» چنین اشاره می کند: «درصد خیلی زیادی از جوان هامون به علت بیکاری، ناامیدی به بهبود فضای کسب و کار و دسترسی به شغل و درآمد درخور و شایسته شون مهاجرت کردند. متعاقباً خیلی از خانواده های اصیل شهر هم به تبعیت از فرزندان شون محل زندگیشون رو ترک کردن که در کنار اون ها باشن. این موضوع روز به روز داره بیشتر میشه. تا چند وقت پیش راهی شهرهای بزرگ خصوصاً تهران میشدن اما الآن به تعداد مهاجران به خارج از کشور هم داره اضافه میشه و این موضوع از حالت نرمال گذشته. ناامیدی و نداشتن اعتماد به نفس و اعتماد به آینده ای روشن رو تو زندگی جوان هامون به وضوح میشه احساس کرد». مهاجرت های روستا به شهر هم خود مشکلات دیگری را بهمراه دارد از جمله این که کالبد فضایی، فیزیکی و انسانی شهر را به کلی دگرگون ساخته و زندگی را بر ساکنان شهری تلخ و ناگوار گردانیده است. پدیده سکونت گاه های غیررسمی نمونه بارزی است که می شود از آن یاد کرد که یکی از مهم ترین مشکلات استان کردستان است. «امید» در این باره اذعان می دارد: «مهاجران روستایی برای بهبود سطح زندگیشون وارد

شهر می‌شن و به دلیل عدم مهارت‌های شغلی، شغل مناسبی پیدا نمی‌کنند و به مشاغل کاذب گرایش پیدا می‌کنند و در نتیجه با درآمد پایین مجبور به سکنی گزیدن در حاشیه شهر میشن. برای مثال تو سنندج منطقه نایسر، نمود بارزیه که از هر نظر مشکل‌سازه. به نایسر که وارد می‌شید، نمی‌تونید تشخیص بدید که آیا پا به به نقطه شهری گذاشتید و یا تو به نقطه روستایی هستین؟! نایسر ناهنجارترین منطقه حاشیه‌ای شهری سنندج هستش که از نظر ناهنجاری‌های اجتماعی، بزهدکاری و نزاع‌های خیابانی در بین باقی مناطق حاشیه‌ای این شهر زیانزده؛ طوری که نیروهای انتظامی هم تو درگیری‌های این منطقه مسئولیتی به‌عهده نمی‌گیرن. فقر، وجود قاچاقچیا و فحشا از آسیب‌های اجتماعی و معضلات همیشگی در نایسره و هر ساله هم افزایش چندین برابری جمعیتش آسیب‌ها و مشکلات رو بیشتر میکنه و هیچ فکری هم برای بهبودش وجود نداره.»

موانع فرهنگی

"مطالعات توسعه نشان می‌دهد که رسیدن به توسعه، در گرو انجام تغییرات بنیادی در طرز تلقی‌ها، باورها و پندارهای فرهنگی جامعه است" (Dawwari, 2006, P30). یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه‌یافتگی اعتقاد مردم به توسعه است؛ بدین معنا که توسعه سوق سنتی به مدرن است و باید توسعه پیدا کنند. بر اساس یافته‌های تحقیق، می‌توان به مفهوم «سنت‌گرایی و غلبه فرهنگ و باورهای سنتی» که از گفته‌های عموم مصاحبه‌شونده‌ها استخراج شده، اشاره کرد که «سامان» می‌گوید: «غلبه فرهنگ و باورهای سنتی در بین مردم منطقه که جمعیت کثیری از مهاجران رو شامل میشه، دلیل محکمی برای توسعه‌نیافتگی استانه». در این باره «لیلا» نیز متذکر می‌شود: «تنها قشر اقلیتی که خونواده‌های شهرنشین قدیمی هستن، خواهان توسعه‌ن. اما اولویت اکثر جمعیت خصوصاً مهاجران روستا- شهری، تنها جایگزین شدن و تطبیق سبک زندگی سنتی با محیط جدید شهری و داشتن شغل و درآمدی برای امرار معاششون مهمه. دغدغه توسعه و این بحث‌ها رو ندارن. سبک زندگی کاملاً متفاوت مردم به‌وضوح توی محله‌ها و خیابون‌های اصلی شهرها مشخصه.»

موانع اکولوژیکی

استان کردستان یکی از استان‌های ایران به مرکزیت شهر سنندج است که در غرب کشور واقع شده است. این استان در دامنه‌ها و دشت‌های پراکنده سلسله جبال زاگرس میانی قرار گرفته است. علی‌رغم وجود کوه‌های بلند صخره‌ای، دره‌های عمیق، زمستان‌های سخت مردم این منطقه سعی داشته‌اند با محیط خود به گونه‌های متعدد انطباق پیدا کرده و با آن سازگار شوند. این در حالی است که مردم موقعیت کوهستانی بودن و سنگی بودن را از دلایل توسعه‌نیافتگی‌شان عنوان می‌کنند. «ئالان» در این ارتباط می‌گوید: «همون‌طور که می‌بینید تا چشم کار میکنه دور تا دور کوه است و کوه. حتی محله‌ها و خونه‌ها هم روی کوهه. طبیعتاً هر منطقه‌ای در طول زمان میبایست نسبت به افزایش جمعیت، برنامه‌ای برای توسعه شهری داشته باشه اما کردستان شاید از معدود استان‌هایی باشه که هیچ‌نظم و قاعده‌ای نداره. شما اگه به شهر هم جوار همدان دقت کنید، شهر با نظم خاصی توسعه پیدا میکنه و اگه دو برابر جمعیت‌الآنش رو هم داشته باشه، بازم از نظر فضایی جا برای توسعه شهری داره. این‌جا در صورت افزایش جمعیت و توسعه شهری باید به دل کوه‌ها بززن که بسیار سرمایه‌بره.»

کردستان از لحاظ منابع آبی، از ۵ حوزه آبریز خزر، سفیدرود، ارومیه، کرخه و زاب تشکیل شده است. به‌نظر می‌رسد موقعیت اکولوژیکی و سرمایه‌بر بودن امکان توزیع آن در داخل استان مانع از استفاده‌ی چنین ظرفیتی شده است. مطابق روال گذشته، بخش زیادی از این آب به خارج از کشور و یا خارج از استان فرستاده شده و می‌شود. در ارتباط با ظرفیت‌های معدنی بسیار غنی کردستان هم اوضاع به‌همین منوال است و هنوز نتوانسته‌اند از این مزیت بهره‌برده و اقدام به تولید و صادرات کالاهای صنعتی کنند. در این باره عبدالله اذعان می‌دارد: «در غرب استان کردستان، زمین‌های زراعی زیادی وجود دارد؛ اما وضعیت کوهستانی، فقدان زیرساخت‌های مناسب و سرمایه‌گذاری کافی باعث شده نتوانیم آب زیاد در بخش شرقی استان را به مزارع غربی برسانیم؛ متأسفانه بخشی از استخراج‌های معدنی نیز به شکل خام‌فروشی از استان خارج می‌شود و تعدادی هم بدون استفاده مانده. حقیقتاً صادرات خام مواد معدنی جز تخریب جاده‌ها و منابع، برای منطقه هیچ سودی نداره.»

مقوله هسته؛ توسعه نامتوازن

توسعه نوع یا حالتی از دگرگونی اجتماعی است که انسان برای دستیابی به نیازها و خواسته‌های خود در محیط ایجاد می‌کند... ما زمانی اصطلاح توسعه موزون را به کار می‌بریم که دگرگونی ایجاد شده در محیط اجتماعی و زیستی از یک سو در جهت رفع نیازها و خواسته‌های انسان باشد و از سوی دیگر زمینه توسعه پایدار را فراهم سازد. چنانچه دگرگونی‌های صورت گرفته در محیط زیستی و اجتماعی در جهت رفع این نیازمندی‌ها نباشد، در آن صورت اصطلاح توسعه ناموزون را اختیار می‌کنیم (Seyfollahi, 1995, P95&96). در حقیقت سیستم اجتماعی از عناصر متعددی تشکیل یافته (عناصر جغرافیایی - اقلیمی، جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) که بنیادی است و توازن یا عدم توازن این عناصر است که موزونی یا ناموزونی روابط اجتماعی را سبب می‌شود. بنابراین، ناموزونی و ناهماهنگی این عناصر در درون خود و ترکیب ساختاری آن‌ها در درون سیستم اجتماعی کردستان، مانع اصلی توسعه در آن است.

اصطلاح توسعه ناموزون را برای نخستین بار نیل اسملسر^۱ در نظریه «تغییرات ساختاری نامتوازن ۲» به کار برده است. اسملسر از جامعه‌شناسانی است که کوشیده است مفهوم تمایز ساختاری را برای مطالعه کشورهای جهان سوم به کار گیرد. از نظر اسملسر، نوسازی عموماً مشتمل بر تمایز ساختاری است؛ چرا که در این فرآیند، ساختار پیچیده‌ای که کارکردهای چندگانه‌ای را بر عهده دارد به ساختارهای تخصصی متعددی تقسیم می‌شود که هر یک تنها انجام یک وظیفه خاص را بر عهده دارند. این مجموعه مشکل از ساختارهای تخصصی، در کل همان وظایف ساختار اولیه را انجام می‌دهد، با این تفاوت که کارکردها در زمینه جدید خود به شیوه‌ای بسیار کارآمدتر از گذشته به انجام می‌رسند. از نظر اسملسر، برای ادغام، تطبیق و هماهنگ‌سازی ساختارهایی که به تازگی متمایز گشته‌اند، باید نهادها و نقش‌های جدیدی پدید آید... با این وجود، ممکن است مسأله ادغام و همسازي به نحو رضایت‌بخش حل نشده باشد. اولین دلیل آن، مسأله «ستیز میان ارزش‌هاست» و دومین مسأله، از «توسعه ناموزون» ناشی می‌شود زیرا ممکن است نهادهایی را در نظر آوریم که با وجود نیاز مبرم به آن‌ها هنوز به وجود نیامده‌اند. در نتیجه فقدان ادغام و همسازي در میان ساختارهای تمایز یافته، به پیدایش آشفتگی‌های اجتماعی می‌انجامد (Su, 2014, P34&35). همان‌طور که اسملسر اشاره می‌نماید، در یک جامعه پیشرفته، تمایزات ساختاری یا تفکیک کارکردی عناصر ساختاری به‌طور کامل صورت گرفته است. در حالی که جوامع توسعه‌نیافته فاقد چنین تفکیک هستند. پس تغییر روی تفکیک متمرکز شده است و آن فرآیندی است که طی آن واحدهای اجتماعی مستقل و تخصصی شده به جای واحدهای سنتی استقرار می‌یابند (Azkia, 2005, P191).

استان کردستان نیز که از جمله جوامع توسعه‌نیافته محسوب می‌شود، با وجود این که عناصر نوسازی و مدرنیته به جامعه در تمامی ارکان و عناصر آن وارد شده است و تفکیک‌پذیری نهادی مختلف در جامعه به‌مانند جوامع پیشرفته انجام گشته اما، چنان‌چه چهار ناهماهنگی، عدم تطبیق و عدم ادغام است که وضعیتی آشفته و پریشان دارد. بحث توسعه‌یافتگی، بحث بسیار مهمی است زیرا که چگونگی دوام و بقای تمامی جوامع سنتی و توسعه‌نیافته‌ای همانند ما است. می‌دانیم که مشکلات اساسی استان ناشی از توسعه‌نیافتگی است، مشکلاتی که در تمامی حوزه‌ها در جامعه گرفتار آن هستیم (از جمله بیکاری شدید جوانان استان، فقر و مهاجرت گسترده، ...) حقیقتاً نوعی بحران هویت را ایجاد کرده است. از سویی با تفکیک‌پذیری‌های انجام گرفته، مسؤلیت بسیاری از جنبه‌های زندگی مردم به عهده جامعه و نهادها مختلف است اما از سویی دیگر تبعیض‌ها و عدم دستیابی‌هایی که وجود دارد، نارضایتی را در جامعه رواج داده که روز به روز افزایش می‌یابد. برای مثال در رابطه با مشکلات حوزه اجتماعی می‌توان به روستاییانی اشاره کرد که دیگر قادر به ادامه زندگی و گذراندن معیشت خویش از راه کشاورزی نیستند برای تأمین رفاه و درآمد کافی راهی شهرهای اطراف می‌شوند، اما زمانی که این مسؤلیت جامعه به درستی انجام نمی‌شود و جایی برای این مهاجران تازه‌وارد نیست، به جمع بیکاران

¹ Neil Smelser

² Uneven Structural Change

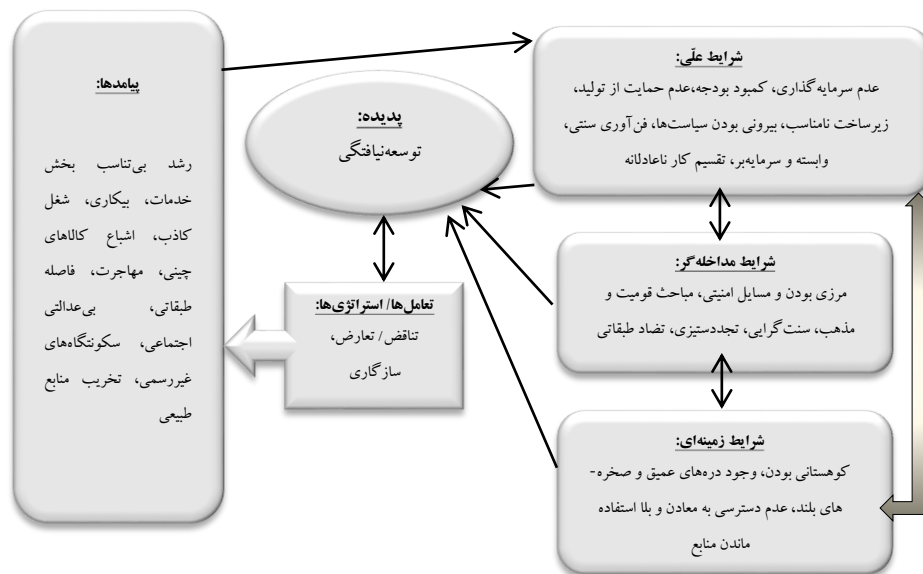
اضافه می‌شوند و کوله‌باری از مشکلات را به بار می‌آوردند. اینان یا به شغل‌های کاذب روی می‌ورند و یا به راه‌های دیگری برای امرار معاش دست می‌زنند و چون مکانی برای سکنی ندارند و در جامعه برنامه‌ای برای پذیرش و ادغام این جمعیت صورت نگرفته است، به ساختن سکونتگاه‌های غیررسمی متصل می‌شوند و در خود مشکلات متعاقبی را به وجود می‌آورند. در کردستان کم نیستند مکان‌هایی که به این صورت شکل گرفته‌اند و روز به روز به تعدادشان افزوده می‌شود. مناطقی که معضلات و ناهماهنگی‌های فراوانی را به بار می‌آورند. موضوع دیگری که در این حوزه می‌توان عنوان نمود نهادهای کار و امور اجتماعی هستند که مسئولیت‌گزینش و تأمین شغل افراد را بر عهده دارند و اساساً این سازمان می‌بایست به عنوان ساختاری اجتماعی نوعی هماهنگی را ایجاد کند که مانع از به وجود آمدن آشفتگی در جامعه شود و بتوان با نهادهای دیگری پیوند داشته باشد. اما امر اشتغال به شدت دچار بحران است و هر کدام از ساختارهای جامعه این مسئولیت‌ها را به عهده دیگری واگذار می‌کند. در حالی که اگر بین همین نهادهای سازمان کار و امور اجتماعی و دیگر ساختارهای جامعه هماهنگی و پیوندی مسالمت‌آمیز وجود داشته باشد می‌تواند با ایجاد سرمایه از طرح‌های بی‌شمار اشتغال‌زایی به ایجاد شغل و ممانعت از آمار بالای بیکاری پردازند یا با هماهنگی دو ساختار تمایز یافته مسکن و امور اجتماعی می‌تواند با اسکان و توانمندسازی ساکنین حاشیه‌ای شهرها از ازدیاد سکونتگاه‌های غیررسمی بکاهد.

در حوزه فرهنگی و ساختار فرهنگی نیز وضع به همین منوال است. پر واضح است که سنت قطعاً در تقابل با توسعه است. شاید مهم‌ترین مانع توسعه کردستان، سنت‌گرایی در جامعه باشد. در مدرنیسم همیشه به دنبال این پدیده هستیم که با عقلانیت فکر کنیم، اعتقادی را بپذیریم که در صورتی که تجزیه و تحلیل بشود تاب ایستادگی در مقابل انتقاد را داشته باشد. باید بتوانیم پذیرای اندیشه‌های نو و تازه باشیم، این اندیشه‌های تازه، ظرفیت‌های تازه را مطرح می‌کند. تفکر عموم‌گردها به ادامه زندگی‌هایی است که تا کنون داشته‌اند، فضایی برای اندیشه‌های نو، اقدامات نو و تازه نیست و از ظرفیت‌های جدید استقبال نمی‌کنند و بر سنت قدیم راسخ هستند. در حالی که فرآیند توسعه، بهینه‌سازی نهادها و فرصت‌های جدید است که نهادها مناسب‌تر می‌شوند و عملکردشان نیز بهتر می‌شود. جامعه‌ای توسعه یافته است که بتواند با اندیشه‌های زمان خودش زندگی کند. کردستان افرادی را شامل می‌شود که خواستار امکانات جدید و نو هستند اما حاضر نیستند فکر و عقیده‌ی سنتی خود را با آن هماهنگ و سازگار نمایند. هنوز در تفکرات قدیمی می‌زیند و ساختار ذهنی‌شان متناسب با زندگی‌شان نیست. دانشگاهیان تحصیل‌کرده‌ای داریم که با تفکرات گذشتگان زندگی می‌کند و چارچوب قدیم و جدید را به نوعی تلفیق می‌کند که بحران به بار می‌آورد. چطور این دو با هم می‌توانند جمع بشوند؟ طبیعتاً چیزی جز بحران به همراه ندارد. برای مثال از سویی حرف از برابری زن و مرد و دموکراسی می‌زنند ولی همچنان با نقش زن در بیرون از خانه مشکل اعتقادی دارند. اما بالاخره می‌بایست این نواندیشی اتفاق بیفتد و چه بسا هماهنگی و انطباق با آن زودتر باشد، توسعه‌یافتگی نیز عملاً زودتر انجام می‌شود. انسان به دنبال متناسب‌سازی ساختار ذهنی‌اش است و باید بتواند با نهادها برخورد کند و اندیشه‌اش را اصلاح کند. به هر حال در استان این موضوع کاملاً آشکار است که در صورتی که توسعه‌نیافتگی تداوم پیدا کند و به زعم اسلمسر «فقدان ادغام و همسازی» در میان ساختارهای تمایز یافته، ادامه یابد، به پیدایش آشفتگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... می‌افزاید.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش علل توسعه‌نیافتگی استان کردستان به شیوه پژوهش زمینه‌ای بررسی شد. نتایج این پژوهش شش بعد گوناگون شامل (موانع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تکنولوژیکی و اکولوژیکی) را آشکار کرد. بر این اساس، پس از گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها بر اساس مراحل کدگذاری سه‌گانه «نظریه بنیانی» در جواب سؤال پژوهش، مدل پارادایمی علل توسعه‌نیافتگی کردستان حول پدیده مرکزی «توسعه نامتوازن» حاصل آمد. با توجه به تکرار مکرر پدیده «توسعه نامتوازن» در خلال پاسخ‌های کنشگران و در مفاهیم و مقوله‌های برآمده از پژوهش، این پدیده، به منزله «مقوله مرکزی ۱» برگزیده شد. انتخاب این پدیده دلایل

دیگری نیز مانند قدرت جذب سایر مقوله‌ها در خود، یکپارچگی سایر مقولات پیرامون آن و برتری نظری آن نسبت به سایر مقوله‌ها را دارد. در ادامه مدل زمینه‌ای برآمده از پژوهش حول این پدیده ارایه می‌شود:



شکل (۱): مدل پارادایمی پدیده علل توسعه نیافتگی کردستان به مثابه توسعه نامتوازن

وقتی طرح کلی نظریه اصلی ترسیم شد، به نظریه پردازی می‌رسیم. در حقیقت نظریه پردازی یک فرآیند است. فرآیندی که از شکل گرفتن اولین مفاهیم تا پدید آمدن مقوله هسته و طرح کلی روابط بین مقولات به طول می‌انجامد. نظریه مذکور تمام داده‌های پژوهش را تبیین می‌نماید. در مدلی که از پژوهش حاضر به عمل آمد، روابط بین داده‌ها مشخص شدند و در یک خط سیر داستان ارایه می‌شوند:

گرچه توسعه نیافتگی در بسیاری از جوامع وجود دارد اما در بعضی موارد، آسیب‌ها و مشکلات به‌طور مداوم طولانی مدت می‌شوند و پیشرفت و اصلاحی در آن صورت نمی‌گیرد. اکثر کسانی که با آن‌ها مصاحبه نمودم، متوجه آسیب‌ها و معضلاتی که در استان وجود دارد، هستند. کردستان اختصاصاً از آن جمله جوامع توسعه نیافته‌ای است که تمام عناصر و مؤلفه‌های موجود در آن به‌صورت نامتوازن و ناهماهنگی در کنار یک‌دیگر جای گرفته‌اند و یک کل حاوی مشکلات و آسیب‌ها را تشکیل داده‌اند. توسعه نیافتگی استان تحت تأثیر یکسری شرایط خاصی بوده است. این شرایط در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر. در مدل پارادایمی مطالعه حاضر، شرایط علی عبارتند از: کمبود سرمایه‌گذاری، کمبود بودجه، عدم حمایت از تولید، زیرساخت نامناسب، بیرونی بودن سیاست‌ها، فن آوری سنتی، وابسته و سرمایه‌بر، تقسیم کار ناعادلانه. شرایط مداخله‌گر نیز شامل: مرزی بودن و مسایل امنیتی، مباحث قومیت و مذهب، سنت‌گرایی و تجددستیزی، تضاد طبقاتی هستند. به علاوه مشکلات اکولوژیک هم در شرایط بستری یا زمینه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند. شرایط مذکور به‌طور کلی و در امتداد با یکدیگر باعث شده‌اند پدیده‌ای به نام توسعه نیافتگی در استان به وجود آید. بنابراین پدیده توسعه نیافتگی متأثر از این شرایط بوده است. در مقابل توسعه نیافتگی استان، مردمان کردستان تعاملات خاصی را انجام داده‌اند که می‌توان این استراتژی‌ها را در قالب "تعارض با وضع موجود" و "سازگاری با شرایط حاکم" دسته‌بندی کرد. با تعاملاتی که در برابر این پدیده انجام شده است و افراد دو موضع کاملاً متفاوت را از خود نشان داده‌اند، پیامدهایی نیز صورت گرفته که باعث به وجود آمدن دو تفکر شده است. آنانی که با وضع به هم ریخته و آسیب‌های توسعه نیافتگی تعارض دارند، مکان زندگی خود را ترک گفته‌اند و برای داشتن زندگی و شرایط بهتری نقل مکان نموده‌اند و از مهاجرت-های بین استانی گرفته تا خارج از کشور، روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌گردد. خالی از سکنه شدن روستاها نیز دلیلی دیگر است

برای سخت شدن زندگی مردم در روستا و پناه آوردن به شهرهای اطراف خصوصاً مرکز استان (سندج) برای کسب حداقل درآمدی از طریق شغل‌های کاذب یا نهایت امر، رانندگی که وفور سکونتگاه‌های غیررسمی را به وجود آورده است. افرادی نیز که با این شرایط توانسته‌اند همراه، هماهنگ و سازگار شوند، یا به این وضع عادت کرده‌اند و نمی‌توانند از درآمد و شغلی که دارند بگذرند و از دست دادن شغل خویش برای آینده‌ای به مراتب نامطلوب‌تر ایشان را می‌هراساند؛ و یا این که تازه‌واردان غیربومی هستند که از وضعیت نامناسب‌تری نقل مکان کرده‌اند و این شرایط را مطلوب‌تر می‌بینند و از نمودهای مدرنیسم و تغییر و دگرگونی استقبال نمی‌نمایند و سازگاری با این وضعیت را بیشتر می‌پسندند.

منابع

1. Afsharkohan, J. (2007). Inevitable Development: A Case Study of the Conditions of Underdeveloped Communities. *Journal of Sociology of Iran*, (8) 2, 39-58. [Persian]
2. Astle, A. (1989). What is Development?. *New Zealand Journal of Geography*, (87)1, 13-15.
3. Azimi (Arani), H. (2013). *Unsuccessful Circuits in Iran's Economy*. Tehran. Ney Publishing. [Persian]
4. Azkia, M., & Ghaffari, Gh. (2005). *Sociology of Development*. Tehran. Kayhan Publications. [Persian]
5. Bahrami, R. (2010). Major Challenges of Rural Development, A Case Study of Kurdistan Province. *Geographical Research*, (89), 125-142. [Persian]
6. Dawwari, F. (2006). Culture, Infrastructure of Economic Development. Report, (30), 32-181. [Persian]
7. Denzin, N & Lincoln, Y. (2005). *The Sage Handbook of Qualitative Research*. London. Sage Publication.
8. Fish, S. (1980). *Is There a Text in This Class? The Authority of Interpretative Communities*. Cambridge, MA. Harvard University Press.
9. Ghaderzadeh, O., & Mohammadpour, A., & Ghaderi, O. (2011). Social construction of the border trade phenomenon, presentation of an underlying theory in Marivan city. *Quarterly of Welfare and Social Planning*, (9), 35-80. [Persian]
10. Glaser, B. (1998). *Doing Grounded Theory: Issues and Discussions*. Sociology Press.
11. Hyderali H. (2012). *A Practical Guide to Qualitative Research*. Tehran. Samt Publications. [Persian]
12. Izadkhah, M. (2012). *Employment, Development and Improvement of Business Space*. Ayandegar, (13). [Persian]
13. Mohammadpour, A. (2013). Qualitative research method of anti-methodology, logic and design in qualitative methodology. (1), Tehran. Sociologists. [Persian]
14. Mossalenezhad, Gholam A. (2005). *Government and Economic Development in Iran*. Tehran. Ghumes Publications. [Persian]
15. Naraghi, Y. (2001). *Sociology and Development*. Tehran. Foruzanruz Publication and Research. [Persian]
16. Pouryani, Mohammad H. (2006). The Consequences of Underdevelopment in the Past Decades in Iran. *Strategic Management Researches*, (37), 161-196. [Persian]
17. Qarakhloo, M., & Habibi, K. (2006). Immigration analysis in relation to the level of development of the provinces of the country using planning techniques. *Quarterly journal of geographic research*, (81), 59-83. [Persian]
18. Razavi, Seyed A. (2009). An Introduction to the Issues and Historical Backgrounds of Iran's Underdevelopment. *Monthly Journal of History and Geography*, (138), 26-30. [Persian]
19. Rocher, Guy (2006). *Social Change*. (Mansour Vosoughi). Tehran. Ney Publishing. [Persian]
20. Saeie Arasi, I. (2013). *Writing Research Skills in Social Sciences*, Tehran. Bahman Borna Publications. [Persian]
21. Saeie Arasi, I., & Saeie Arasi, A. (2017). *Qualitative Research Methodology in Social Sciences*. Qazvin. Kaspian Danesh. [Persian]
22. Seyfollahi, S. (1995). *Political Economy of Iran; Collection of Articles and Opinions*. Tehran. Al-Mizan Community Studies and Planning Research Institute. [Persian]
23. Strauss, A., Corbin, J. (2011). *Principles of qualitative research: Techniques and stages of production of the underlying theory*. (Ibrahim Afshar). Tehran. Nay Publications. [Persian]
24. Su, Y, Alvin. (2014). *Social change and development: A review of the ideas of modernization, dependence and the global system*. (Mahmoud Habibi Mazaheri). Tehran. Strategic Studies Research Center. [Persian]
25. Todaro, Michael P. (1977). *Economic Development in the Third World: An Introduction to Problems and Policies in a Global Perspective*. London. New York. Longman. 88-96.

26. Turner, J. (2003). *Structure of Sociological Theory*. New York: Wadsworth Publication.
27. Zarabi, A., & Yazidi, M. (2013). An Analysis of Regional Development of Provinces of the Country. *Journal of Space Planning*, (1), 101-116. [Persian]
28. Ziyari, K., & Mohammadi, A., & Attar, Kh. (2011), the Study of the Development Degree of the Cities of the Country and its Relationship with the Rate of Urbanization. *Journal of Space Planning*, (3), 1-16. [Persian]